

**عضو انجمن صنفی دفاتر سفر و گردشگری استان تهران مطرح کرد:**

### سایت‌های غیر مجاز، عامل ایجاد بحران در عرصه گردشگری



عضو هیات مدیره و خزانه‌دار انجمن صنفی دفاتر سفر و گردشگری استان تهران، در مصاحبه با برنامه «صبح و گفت‌وگو» رادیو گفت‌وگو، اظهار کرد: اکثر سایت‌هایی که در زمینه گردشگری در فضای مجازی باعث ایجاد مشکل در این زمینه می‌شوند، غیرمجاز هستند.

وی با بیان اینکه دفاتر گردشگری به طور معمول برای اخذ مجوز باید از فیلترهای مشخصی عبور کنند، ادامه داد: تعداد بسیار کمی از این دفاتر که دارای مجوز قانونی هستند ممکن است در سایت‌های خود اقدام به فعالیت‌های غیرمجاز کنند.

این مقام مسئول در دفتر خدمات سفر و گردشگری تهران با تأکید بر اینکه بیش از ۱۸۰۰ دفتر مسافرتی در تهران فعالیت می‌کنند، اظهار کرد: کلیه دفاتر مجاز گردشگری در سایت‌های خود از یک نماد ملی که از سازمان مرکز توسعه تجارت الکترونیکی اخذ شده استفاده می‌کنند.
وی با بیان اینکه متأسفانه سایت‌های غیرمجاز گردشگری باعث ایجاد بحران‌هایی در این عرصه شده‌اند، افزود: برخی از آنها در توره‌های گردشگری خود علاوه بر اینکه مسائل اولیه‌ای مانند بیمه را رعایت نمی‌کنند موازین گردشگری مورد تأکید در کشور را نیز زیر پا می‌گذارند چنانکه مشکلاتی را نیز برای مردم محلی ایجاد می‌کنند که نمونه این موضوع در را کویر مصر شاهد بودیم.

رفیعی ششاد ادامه داد: در بحث بیمه نیز این دفاتر غیرمجاز مبالغی را برای بیمه گردشگران در نظر نمی‌گیرند و یا مقدار آن بسیار پایین‌تر از حد مشخص شده است و همین کاهش نرخ باعث می‌شود که مردم به سمت آنها جذب شوند و در صورت بروز حادثه‌ای مشکلات زیادی را متوجه گردشگران شود.
وی تصریح کرد: این سایت‌های غیرمجاز نه تنها به موضوع گردشگری آسیب وارد کرده‌اند بلکه باعث آسیب زدن به دفاتر خدمات صنف گردشگری شده‌اند. مثلاً در زمینه بلیت هواپیما، بلیت‌هایی که در سایت‌های خود اعلام می‌کنند بعضاً فاقد پشتوانه رزرو هستند و این خود مشکلات زیادی برای مردم در بسیاری از مواقع ایجاد کرده است.

در ادامه این برنامه، ناصر رضایی عضو هیات علمی پژوهشکده گردشگری سازمان میراث فرهنگی با اشاره به اهداف افرادی که چنین سایت‌های غیرمجازی را ایجاد می‌کنند، افزود: این افراد قانون را دور می‌زنند و این خود منجر به نتایج ناخوشایندی می‌شود.

وی سا بیان اینکه ایمن موضوع فقط مختص ایران نیست و در دیگر نقاط جهان نیز بعضاً رخ می‌دهد، افزود: یکی از دلایل عمده این کلاهبرداری‌ها عدم آگاهی کاربران و گردشگران از چنین فضایی است و از دیگر سو ضرورت دارد که نهادهایی نیز جهت کنترل بر روی این سایت‌ها و ارائه اینگونه خدمات ایجاد شود یا اینکه آنها به وظایف خود در این زمینه به صورت جدی‌تر عمل کنند.

#### یادداشت

### شهرداری‌ها، بناهای تاریخی: تیغ و زنگی مست

ادامه از صفحه ۷

تفاهم‌نامه با میراث فرهنگی استان و پژوهشگاه با پیگیری بسیار به انجام رسید. بودجه مصوب شورا شده بود. اما مشکلات عدیده‌ای بود. کوچک‌ترین خریدی در ساختار شهرداری متناسب با سلیقه و فرهنگ شهرداری‌ها انجام می‌شد. برای مثال تأکید ما بر این بود که برای کاوش حساسیت‌هایی وجود

دارد اما این حساسیت‌ها در شهرداری درک نمی‌شد.

در شهرداری البته توان بسیار بالای پرسنلی و موتور ی برای تخریب وجود داشت. یعنی به راحتی می‌توانستیم کل محوطه را برای همیشه از ارزش میراث فرهنگی چینه‌اش ساقط کنیم. ما اما با راهکارهای تخصصی، کاوشی دقیق را انجام دادیم. و مهمتر دست به فرهنگسازی زده و به مناسبت‌های مختلف از مردم برای بازدید دعوت کردیم. تیم‌های تخصصی را برای معرفی سازماندهی کردیم. استقبال مردم بسیار خوب بود. نتیجه کاوش‌های بسیار ارزشمند بود. تلاش ما برای بهره‌وری بهینه از محوطه‌های تاریخی در حاشیه شهری معاصر داشت جاگیر و پاکیز می‌شد. اما افسوس فرهنگ شهرداری و بخش‌هایی از آن که عمدتاً به درآمد و پول فکر می‌کنند، دامن فعالیت‌ها را گرفت. محافظت از محوطه به میراث فرهنگی شهرستان سپرده شد. اما آنها توان کارشناسی نداشتند. تغییرات را راه رسیده بود. تفاهم و غیر آن کارساز نبود. قول و وعده‌ها هم بر باد فنا رفت. ما به این راضی شدیم که حقوق و حرمایهٔ اعضای تیم کاوش را بگیریم و برای سازماندهی محوطه و حفاظت و مدیریت آن طرح بسیار اساسی تهیه کردیم. اما شهرداری که این چیزها را نمی‌داند. شهرداری یعنی درآمد آن هم در کوتاه مدت! شهرداری یعنی بهره‌برداری. شهرداری یعنی ساخت و ساز. شهر یعنی جنگلی از بتن و آهن. شهر نه یعنی فضایی فرهنگی، شهر نه یعنی موزه، شهر در نظر شهرداری‌ها یعنی نظر متغیر اعضای محترم شورا.

خلاصه‌هم‌اکنون که دارم این متن را برای شما می‌نویسم آنچه حاصل شده، محوطه‌ای است که کم و بیش از نظر علمی شناخته شده است. اما کاوش با حفاظت متناسب همرا نبوده است. شهرداری هم این مهم را درک نمی‌کند. در موزه همان جایی که پروژه با پشتیبانی اجرایی آنجا شروع شد، مواد فرهنگی و مطالعاتی حتی رایانه‌های هیئت کاوش بلوکه شده‌اند. مصوب غیر تخصصی ورود همه کارشناسان را ممنوع فرموده و البته احتمالاً بوسلیه بخش‌هایی از شهرداری و شورا حمایت می‌شوند. دستم کم کوتاه و خرما نیتخیز. این همه ماجرا نیست. می‌دانید که کاوش بدون برنامه بدون حفاظت یعنی تخریب، احتمالاً این هم در آینده نزدیک اضافه خواهد شد. ما بودجه مصوب در شورا داریم. یعنی پرداخت دستمزدهم‌کاران متخصص ما که از سراسر دنیا به ما پیوسته‌اند، بل‌المان است. اما نبود تخصص و آشنایی با موضوع در شهرداری مانع است. اکنون ما بیش از یکصد میلیون بدهی داریم. هیچ کارمزدی را نپرداخته‌ایم. این مهم نیست. محوطه را کاوش کرده‌ایم. نگهبان گذاشته‌ایم و مواد مطالعاتی‌مان در دسترس‌مان نیست. محوطه هر روز در معرض برف و باران بوده اما کسی در شورا و شهرداری که این چیزها را بطور تخصصی متوجه نمی‌شود. این مانند بسیاری پارک و پروژه‌های ناتمام است. از نظر آنها تجربه به بازگشت کاوش معنی ندارد. از نظر آنها حفاظت مهم نیست. از نظر آنها اعتبار علمی و جهانی ما مهم نیست. از نظر آنها انتشارات اصلا اهمیتی ندارد. اگر داشت کتابی که برای مردم تهیه کرده و یکسال است تحویل داده‌ایم، منتشر شده بود.

خلاصه، شهرداری در ارتباط با بناهای تاریخی و فرهنگی نه در ک تخصصی دارد نه اجازه فعالیت به رویکردهای تخصصی می‌دهد. شهرداری‌های ما بیش از هر جایی توان اجرایی و فنی دارند. بیش از هر جایی در محدوده شهرها توان اجرایی دارند اما آنچه که سخن از میراث فرهنگی به میان آید ابتدا تبدیل به توان تخریب می‌شود، چراکه توان تخصصی و کارشناسی ندارند. نت تخصص‌اش را دارند نه به متخصصان واگذار می‌کنند. از نظر آنها همه چیز به ساخت و ساز به امور جاری شهر، به فشار شورا و به رای شهروندان محدود می‌شود. در نتیجه اگر در شهرهای بیش از یک صد هزار نفر بناهای تاریخی و مسائل آن به شهرداری واگذار شود و زیرساخت فرهنگی و قانونی آن فراهم نشود موج فرآگیری از فعالیت‌های غیرتخصصی و تخریب میراث فرهنگی را موجب شده‌ایم. این‌ها را کسی که تجربه کرده می‌نویسد نه کسی که به کنار گودی ایستاده و می‌گوید، لنکش کن. بناهای تاریخی و آثار باستانی داخل شهرها را لنکش کن!-با شهرداری‌ها بسپارد خود به خود لنگ شده‌اند، چون در شهرداری‌ها فرهنگ درک میراث و آثار تاریخی وجود ندارد.

\*\*\*\*\*باستان‌شناس

یادداشت — 25

### گزارش «مردم‌سالاری» از فعالیت قاچاقچیان انسان در تهران

# رویای اروپا با ویزای جعلی شینگن

سامان رحمتیان



می‌توان از مدارک جعلی استفاده کرد.

#### ویزاهای شینگن چینی

برخی دیگر از قاچاقچیان انسان نیز هستند که ویزای شینگن را در پاسپورت‌های جعلی می‌کنند و مسافران دیگر نیازی به مراجعه به سفارت ندارند.

میلاد یکی از این قاچاقچیان است که اکثر قرارهایش را در بنز شخصی یا در یکی از آژانس‌های مسافرتی خیابان مطهری تهران می‌گذارد. شیوه کار این قاچاقچی انسان به این شکل است که پاسپورت افراد و ۲ قطعه عکس از آنها تحویل می‌گیرد و پس از گذشت چند روز ویزای کشور مقصد را در آن جعل می‌کند.

به گفته میلاد، در این روش که بسته به کشور مقصد از ۲۸ تا ۸۵ میلیون تومان هزینه دارد، فرد پس از رسیدن به کشور مقصد توسط پلیس دستگیر می‌شود و اعلام پناهندگی می‌کند. او در رابطه با شیوه کارش می‌گوید: وسایلی که برای جعل ویزای شینگن استفاده می‌کنیم از چین وارد شده‌اند و به اندازه‌ای دقیق هستند که در کشور مقصد نیز تشخیص داده نمی‌شوند.

این قاچاقچی که مدعی داشتن دوستستانی در دیگر کشورها است می‌گوید: شاید برای اینکه مسافر را به مقصد برسانیم، لازم باشد از چند کشور عبورش دهیم و در هر کشور مدارک جدیدی برای او درست کنیم.

**جعل پاسپورت**
میلاد مدعی است که می‌تواند در قبال دریافت ۱۵ میلیون تومان پاسپورت جعلی نیز تهیه کند. او می‌گوید: پاسپورت‌ها ۲ نوع شباهتی و جعلی هستند؛ در نوع شباهتی پاسپورت واقعی فردی که شباهت به مسافر داشته باشد خریداری و مسافر با گرم به عکس روی پاسپورت شبیه می‌شود.

این قاچاقچی انسان می‌افزاید: در روش دوم پاسپورت جعلی چاپ می‌شود اما در این روش احتمال لو رفتن در زمان عبور از گیت‌های فرودگاه وجود دارد. **قاچاقچیان انسان در فرانسه**

افرادی که از طریق ویزای شینگن راهی اروپا می‌شوند باید، به واسطه یک قاچاقچی دیگر از فرانسه یا بلژیک وارد انگلستان شوند. ندیم که اصالتاً کرد عراق است در شهری بندری به نام کالایس در مرز فرانسه و انگلستان به قاچاق انسان می‌پردازد. پس از جستجوی چند هفته‌ای شماره او را پیدا کردیم و با او تماس گرفتیم تا با هزینه‌ها و راه‌هایی که مسافران را جابجا می‌کنند آشنا شویم.

ندیم می‌گوید: داعش راه‌های سفر را گران کرده است؛ پیش از انفجار تورپرستی در فرانسه فرستادن مسافر به انگلستان ساده بود، هر نفر را تنها با هزار یورو راهی می‌کردیم، اما الان کنترل پلیس فرانسه خیلی بیشتر شده است.

ندیم مسافران خود را در قبال دریافت سهه هزار پوند، شبانه در یکی از کامیون‌هایی که به مقصد انگلستان می‌روند جای می‌دهد و او می‌گوید: پلیس فرانسه به تازگی از سبک برای پیدا کردن افراد داخل کامیون‌ها استفاده می‌کند، اما ما هم شیوه‌هایی خاص خود را داریم تا بوی مسافر برای سگ‌ها قابل تشخیص نباشد. این قاچاقچی انسان مدعی است که مسافران خود را با هماهنگی راننده‌های کامیون و تحت حمایت دوستانش که مسلح هستند راهی انگلستان می‌کند.

#### گرفتن پناهندگی

افرادی که به واسطه قاچاقچیان انسان به اروپا می‌روند برای ماندن و زندگی در اروپا نیاز به ارائه دلایل برای پناهندگی دارند. عبدالله یکی دیگر از قاچاقچیان انسان در تهران است که برای افراد مدارک لازم به منظور اخذ پناهندگی را تهیه می‌کند او توضیح می‌دهد: زمانی که به

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

مردم‌سالاری

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25

یادداشت — 25